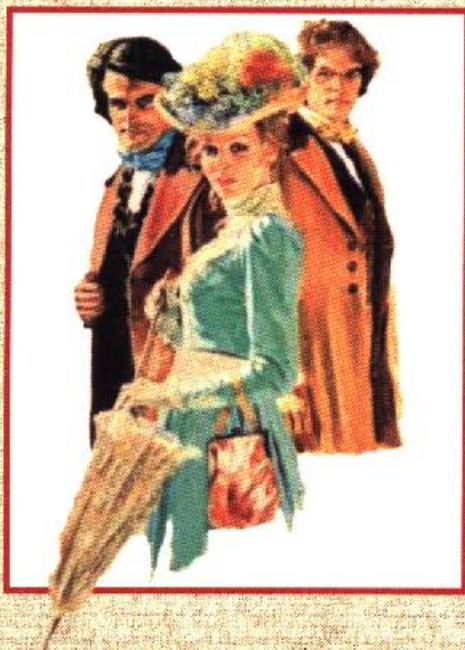




گوستاو فلوبر



مادام بواری

ترجمه
مشفق همدانی

سرنامسه: فوبر، گوستاو، ۱۸۲۱-۱۸۸۰م.

Flaubert, Gustave.

عنوان و نام پدیدآور: مادام بواری / نوشته گوستاو فلوبر؛ ترجمه مشفق همدانی.

مشخصات نشر: تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۳۹۲ ص.

فروست: داستان‌های خارجی؛ ۷۵.

شابک: 978-964-00-1698-5

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا.

بازداشت: عنوان اصلی: Madame Bovary.

بازداشت: چاپ چهارم؛ ۱۳۹۵.

موضوع: داستان‌های فرانسه، قرن ۱۹م.

شناسه افزوده: مشفق همدانی، ربیع، ۱۳۸۸-۱۳۹۱، مترجم.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ م ۲ / PQ ۳۳۹۰

رده‌بندی دیویی: ۸۴۳/۸

شماره کتابشناسی ملی: ۲۶۱۹۱۲۴

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۰-۱۶۹۸-۵



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران: خیابان جمهوری اسلامی، میدان استقلال، صندوق پستی: ۱۱۳۶۵-۴۱۹۱

مادام بواری

© حق چاپ: ۱۳۴۱، ۱۳۹۵، مؤسسه انتشارات امیرکبیر

نویت چاپ: چهارم (ویراست جدید)

نویسنده: گوستاو فلوبر

مترجم: مشفق همدانی

ویراستار: پرویز شیشه‌گران

طراح جلد: محمدرضا نبوی

حروف متن: میترا ۱۳

چاپ و صحافی و لیتوگرافی: چاپ واژه‌پرداز اندیشه، تلفن: ۷۷۱۴۵۰۶۳-۶

شمارگان: ۱۵۰۰

بها: ۱۶۵۰۰۰ ریال

تلفن مرکز فروش: ۰۲۱-۶۱۲۸

فروش اینترنتی: www.amirkabir.net

همه حقوق محفوظ است. هر گونه نسخه‌برداری، لقم از زبراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به‌جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی)، و اقتباس در گروه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

مقدمه مترجم

در سال ۱۳۲۹ که بنگاه مطبوعاتی صفی‌علی‌شاه خلاصه‌ای از کتاب *مادام بواری* یکی از بزرگ‌ترین شاهکارهای ادبیات نیمه دوم قرن نوزدهم فرانسه ترجمه آقای محمود پورشال‌چی مترجم با ذوق و دانشمند را منتشر ساخت، گوهرشناسان گنجینه ادب فرانسه و کلیه کسانی که به مقام شامخ گوستاو فلوبر در جهان نویسندگی فرانسه از طرفی و ارزش کتاب *مادام بواری* از لحاظ پیدایش یک سبک نوین در عرصه پهناور ادبیات بین‌المللی از طرف دیگر آگاهی داشتند، برای ترجمه متن کامل این کتاب چنان شوق و رغبتی به خرج دادند که چند تن از ناشرین برای انتشار این اثر دلی‌قیمت ادبیات فرانسه دامن همت به کمر زدند تا به حدی که هر روز انتظار می‌رفت چاپ‌های گوناگونی از این شاهکار بزرگ زینت‌بخش بازار مطبوعات ایران گردد ولی متأسفانه مترجمان آزموده که نیک به سبک نگارش گوستاو فلوبر آگاهی دارند و می‌دانند این نایغه بزرگ ادبی، چه بردباری و دقت و موشکافی در پی نهادن این کاخ استوار و بلند نثر فرانسه به کار برده است، چون عزم ترجمه این اثر نفیس را می‌کردند در اراده‌شان بی‌اختیار سستی و فتوری حاصل می‌شد و مانند نقاشانی چیره‌دست که تصویر یک تابوی دشوار و پیچیده را بیش از پیش به تأخیر می‌اندازند و به وقت مناسب‌تری موکول می‌کنند این خدمت بزرگ را به عهده تعویق می‌انداختند تا اینکه سال گذشته هنگام سفر به ایران - آقای جعفری صاحب باذوق مؤسسه انتشارات امیرکبیر با اصرار فراوان از من خواستند برای ترجمه متن کامل این کتاب که خواستاران زیاد دارد دامن همت به کمر زنم. بر حسب اتفاق در

تابستان امسال که در یکی از آرام‌ترین و زیباترین نقاط حومهٔ رم در کنار دریاچهٔ کاستل گاندولفو مشغول استراحت بودم فراغت کامل یافتم و عزم کردم خواهش آن دوست عزیز را برآورم و متن کامل این اثر ذی‌قیمت را به علاقمندان آثار جاودان در ایران اهدا کنم.

شاید کسانی که تنها مرادشان از مطالعهٔ کتاب اسرار وقت و تعقیب حوادث افسانه‌آمیز و ماجراهای واهی و تکان‌دهنده باشد در بادی امر چنانچه باید به ارزش کتاب *مادام بواری* پی نبرند و حتی از اطناب کلام و ریزه‌کاری‌های نویسنده تا اندازه‌ای هم احساس ملالت کنند، لکن کسانی که با ادبیات فرانسه کم و بیش سروکار دارند و می‌دانند که گوستاو فلوربر در جهان نثر فرانسه چه مقامی را دارد تصدیق خواهند کرد به عللی که این به اجمال از نظر خواننده خواهد گذشت «مادام بواری» یک شاهکار جاودانی ادبیات فرانسه است و درخور این همه استقبال سخن‌سنجان بین‌المللی می‌باشد.

گوستاو فلوربر در حقیقت مشعل‌دار یک نهضت و جنبش بزرگ ادبی فرانسه به شمار می‌رود که «ناتورالیسم» یعنی «سبک طبیعی» نگارش و تقلید و وصف حقایق مطابق النعل بالنعل می‌باشد و او یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان نیمه دوم سده نوزدهم فرانسه است که تیشه به ریشه سبک رمانتیسم زد و راه را برای توسعهٔ جنبش رئالیسم و ناتورالیسم در ادبیات فرانسه هموار کرد.

ناتورالیسم که فلوربر یکی از واضعین آن به شمار می‌رود و کتاب *مادام بواری* به منزلهٔ شاخص‌ترین مظهر آن تلقی می‌گردد چیست؟ فلوربر عقیده دارد همان‌طور که یک نقاش زبردست برای ایجاد یک شاهکار جاودان باید طبیعت را چنانچه هست با همهٔ ریزه‌کاری‌ها و گوناگونی رنگ‌ها و زشتی‌ها و زیبایی‌هایش بدون کم و کاست و دخل و تصرف بر روی پرده نقاشی منعکس کند به‌طوری‌که بیننده آن را با خود طبیعت اشتباه کند، نویسنده نیز در نگارش هر کتابی باید از حقیقت محض و طبیعت بدون هیچ‌گونه آرایش و پیرایش مصنوعی پیروی نماید. وی در نامه‌ای که به ژرژسند دوست صمیمی خود نگاشته است عقیدهٔ خویش را در این

خصوص چنین خاطر نشان می‌کند: «من به هیچ روی تصور نمی‌کنم که نویسنده باید عقیده خودش را درباره امور این جهان ابراز دارد... بنابراین فقط بدان اکتفا می‌کنم. اشیاء این دنیا را چنانچه هست در آثار خودم منعکس کنم و حقایق را چنانچه وجود دارد بیان نمایم و هیچ کاری به عواقب آن ندارم... من نمی‌خواهم نه عشق، نه عداوت، نه رحم، نه خشم داشته باشم... هرگاه در نقاشی بی‌طرفی محض ابراز گردد، صحت ریاضی و ارزش قانونی خواهد یافت.»

در نگارش کتاب *مادام بواری* نیز عین همین اصل را به کار برده و واقع‌بینی را به چنان درجه‌ای از کمال رسانیده است که خواننده به محض شروع مطالعه داستان، خویشتن را به قهرمانان آن چنان نزدیک می‌بیند که گویی از سال‌ها پیش آنان را می‌شناسد و مناظر را با ریزه‌کاری‌های آن چنان عیان و روشن می‌یابد که گویی به اتفاق نویسنده با دیدگان تیزبین و موشکافی تاریک‌ترین زوایای صحنه‌های حوادث را از زیر نظر گذرانیده است.

شما به هریک از کتاب‌های تاریخ ادبیات فرانسه نظر افکنید بدون شبهه به این جمله بر خواهید خورد که *مادام بواری* شاهکار رمان نویسی دوران معاصر است. شاید کمتر نویسنده‌ای در جهان مانند فلور توانسته باشد در نقل حوادث، از نیروی مشاهده تا این اندازه استفاده کند و در ترسیم تابلوهای زنده از حقایق عریان این همه چیره‌دستی و تسلط به خرج دهد. گذشته از این یکی از امتیازات آثار فلور آن است که از جمله غنی‌ترین و زیباترین و عمیق‌ترین آثار نثر فرانسه به شمار می‌رود.

فلور مدت هفت سال از عمر خود را صرف نگارش *مادام بواری* کرد و حال آنکه روزی هفت ساعت مرتب کار می‌کرد و با این همه بیش از یک صفحه در پنج روز نمی‌نگاشت زیرا در تاریخ ادبیات فرانسه پس از مالرب^۱ وی نخستین نویسنده بزرگی است که هرگز از سبک نگارش خود راضی نبود و آن قدر نوشته خود را مانند جواهرشناس زبردستی صیقل می‌داد و آن قدر در درست نوشتن و به کار بردن هر

1. Malherbe

کلمه به جای خود و به وجود آوردن جمله‌های درست و محکم تلاش می‌کرد که بر دباری و شکیبایی و موشکافی و دقت او در میان نویسندگان معاصر فرانسه ضرب‌المثل است. این استاد بزرگ فرانسه جملات را با چنان مهارتی به هم می‌آمیزد و کلمات و اصطلاحات را چنان به مورد به کار می‌برد که نوشته‌اش همچون ارکستر دنوازی روح را فرح و انبساط می‌بخشد.

باید دانست انتشار کتاب *مادام بواری* در سال ۱۸۴۷ جاز و جنجال بزرگی در سرتاسر فرانسه برپا کرد بدین معنی در آن زمان که هنوز نسیم آزادی عقاید در سرزمین فرانسه وزیدن نگرفته و کشیشان کهنه‌پرست و مخالفان ترقی و پیشرفت در پشت پرده مذهب از هرگونه نهضت فکری و ادبی جلوگیری می‌کردند به فلوربر ایراد گرفتند که کتابش زنان را گمراه می‌کند و مخالف اصول عفت است و نویسنده بزرگ از این لحاظ رنج فراوان برد و سرانجام مورد تعقیب قرار گرفت و کارش به دادرسی رسید. خوشبختانه دادرسان شجاع و روشن فکر نه تنها حکم برائت او را صادر کردند بلکه رأی دادند که کتاب *مادام بواری* یک اثر انتقادی و پرارزش است که برای زنان خیال‌یاف و جاه‌طلب آینهٔ عبرتی تواند بود.

اینک که به اختصار ارزش بین‌المللی این شاهکار جاودانی را بیان کردم بی‌مورد نیست شمه‌ای هم از زندگی گوستاو فلوربر از نظر خوانندگان عزیز بگذرانم.

گوستاو فلوربر در سال ۱۸۲۱ در شهر رون پا به عرصه وجود نهاد و چون پدرش جراحی شهیر و پولدار بود زمان کودکی را در رفاه و آسایش به سر برد و هم از او ان طفولیت نسبت به ادبیات عشق سرشاری نشان داد.

در سن نوزده سالگی برای ادامهٔ تحصیل حقوق به پاریس رفت لکن از پایتخت فرانسه چندان خرسند نبود و چون پدرش رخت از جهان بر بست تحصیل را ترک کرد و به اتفاق مادرش در یکی از املاک پدرش (کرواسه) واقع در نزدیک رونن اقامت گزید و تنها گاهی از آن قصبه برای مبادرت به مسافرت‌های کوتاهی (به شرق در سال ۱۸۴۹) و مشاهدهٔ دوستان عزیزش مانند گوتیه و ژرژ ساند و تورگنیف

(نویسنده روسی که به پاریس مهاجرت کرده بود) خارج می‌شد. به غیر از مادام بواری که به منزله شاهکار او به شمار می‌رود در حدود ده کتاب دیگر به رشته تحریر کشیده است که از میان آن‌ها *سالامبو* و *تربیت احساساتی* و سه قصه شهرت زیاد دارد. در سال ۱۸۸۰ بر اثر افراط در کار و نویسندگی زندگی را بدرود گفت.

گوساو فلور مردی شیفته هنر بود و نسبت به کسانی که همه چیز را فدای پول می‌کنند و زندگی را در راه مادیات به هدر می‌دهند به نظر نفرت می‌نگریست و تنها متفکرین و هنرمندان را انسان‌های واقعی می‌دانست. هنر به نظر وی تنها راه نیل به حقیقت است و عقیده دارد ایمان و عقیده متزلزل می‌شود، اصول فلسفی پیوسته در تغییر و تبدیل است و تنها هنر پایدار است زیرا هنر هرگز گول نمی‌زند و به همین جهت لایزال است. فلور می‌گوید فقط از راه زیبایی که از آغاز پیدایش جهان استوار مانده و همه را مجذوب ساخته است انسان به جهان مطلق راه می‌یابد. هنر برای فلور همان مفهومی را دارد که خدا برای صوفیان دارد. اینک بسی خرسندم که به ترجمه کامل یکی از آثار نفیس نویسنده بزرگ فرانسوی توفیق یافتیم و با آن که اذعان دارم سرمایه ادبی من آن قدر نیست که چنانچه باید حق استاد شهیر ادبیات معاصر فرانسه را ادا کند، با این همه امیدوارم ترجمه کامل شاهکار او که سعی شده است با نهایت امانت صورت گیرد سخن‌سنان و گوهرشاسان گنجینه ادبیات بین‌المللی را در ایران به مطالعه و ترجمه سایر آثار او راغب کند.

رم - کاستل گاندولفو

تیرماه ۱۳۴۱

مشفق همدانی

بخش نخست

۱

مشغول درس بودیم که ناگهان مدیر دبیرستان داخل کلاس شد. در پشت او دانشجوی تازه‌ای ملبس به لباس طبقه متوسط به اتفاق یکی از شاگردان که میز بزرگی حمل می‌کرد مشاهده می‌شدند. دانشجویانی که چرت می‌زدند، بیدار شدند و همه از جای برخاستند چنان‌چه گفתי به هنگام کار غافل‌گیر شده‌اند.

مدیر به ما اشاره کرد بنشینیم و سپس به دبیر روی آورد و گفت:

- آقای روژه، این شاگرد را به شما می‌سپرم، در کلاس پنجم مشغول تحصیل خواهد شد و هرگاه کار و اخلاقش رضایت‌بخش باشد، مطابق سن خودش به دسته بزرگتران خواهد پیوست.

دانشجوی تازه، پشت در، در گوشه‌ای ایستاده بود به طوری که به زحمت مشاهده می‌شد. وی پسر بچه‌ای روستایی بود که در حدود پانزده سال داشت و از لحاظ قامت از همه ما بلندتر بود. فرق سرش را به خط مستقیم مانند یک آوازه‌خوان دهاتی باز کرده بود، قیافه‌ای معقول ولی بسیار ناراحت داشت. با آن که شانه‌های پهنی نداشت کت کتانی سبز رنگش با تکه‌های سیاه، آستینش را اندکی می‌فشرد. از خلال سرآستین‌های برگشته‌اش مچ‌های سرخس که هویدا بود در حال عادی برهنه است مشاهده می‌شد. شلوار زرد رنگش که بند شلوار بیش از اندازه آن را کشیده بود پاهایش را با جوراب‌های آبی‌رنگ زیاده از حد نشان می‌داد. کفش‌های زمخت مملو از میخی به پا داشت که معلوم بود به‌طور سرسری واکس خورده است.

از برخواندن درس شروع شد. تازه‌وارد با دقت هرچه تمام‌تر به همه گوش داد چنان‌چه گفتی به وعظ کشیش در کلیسا گوش می‌دهد. حتی جرئت نکرد یا روی پا بیندازد و یا این‌که آرنج خود را بر میز تکیه دهد. ساعت دو که زنگ زده شد دبیر ناگزیر گردید به وی اخطار کند با ما به صف بایستد.

عادت داشتیم، هنگام ورود به کلاس کلاه‌هایمان را به زمین بیندازیم تا دست‌هایمان آزادتر باشد. به محض عبور از پای در هر یک از ما کلاهش را به زیر میز انداخت تا این‌که بعداً آن را به دیوار بکوبد و گرد و خاک زیاد بلند کند. رسم این‌طور حکم می‌کرد.

اما شاگرد جدید یا از این رسم آگاهی نداشت و یا اینکه جرئت نکرده بود از آن پیروی کند، پس از پایان دعا هم‌چنان کلاهش را روی زانوهایش نگاه داشته بود. این کلاه یکی از آن نوع کلاه‌های هم‌مرنگ و همه‌شکل بود که در آن اثری از همه نوع کلاه، اعم از کلاه پشمی و کلاه نم‌دی و کاسکت سمور و کلاه پنبه‌ای وجود داشت. یکی از این اشیاء محقری بود که کراهِت و زشتی آن همچون صورت ابله‌ی نمایان بود. خود کلاه به شکل تخم‌مرغی بود که سه دایرهٔ برجسته دور آن را فرا گرفته بود. در بالای این سه دایره یک نوع کیسهٔ چند گوشه قرار داشت که بر روی آن لوزی‌های مخمل و موی خرگوش جلب توجه می‌کرد و بر نوک آن صلیبی گلدوزی شده بود، کاملاً نو بود و لبه‌اش می‌درخشید.

دبیر گفت:

– برخیزید!

از جای برخاست؛ کلاهش افتاد. همهٔ شاگردان خندیدند. خم شد تا کلاهش را بردارد کنار دستی‌اش با آرنج آن را دوباره انداخت. بار دیگر آن را برداشت.

دبیر که مرد ظریفی بود گفت:

– کلاهتان را به گوشه‌ای بگذارید.

PDF Compressor Free Version

اما دختری شهرستانی است که مشتاق زیبایی، ثروت، عشق و جامعه‌ای سطح بالاست.
بخش عظیمی از داستان مادام بواری حول اختلافات میان ایده‌آل‌های خیالبافانه و جاه‌طلبی اما می‌چرخد که او را به سوی دو عشق متفاوت سوق می‌دهد که بندهی‌های قابل توجهی برایش به همراه می‌آورد و...



ISBN: 978-964-00-1698-5



9 789640 016985

۱-۹۵۰۸۸-۷ ۰۸۸۷

بها: ۱۶۵۰۰۰ ریال